

انکار

هر روز یکشنبه و چهارشنبه به پهنو و فارسی
نشر میشود

سال اول

شماره سیزدهم

صاحب: آیداز زیند پرستول : فیض محمد (انکار)

آدرس دفتر جریده : جاده بیوند ابار تمان، نبر (۳)
نمبر تلفون (۱۲۱۹) آدرس تلفگرافی : انکار - کابل
تاسیس ۹ حوت ۱۳۲۹ -

چهارشنبه ۲۱ حمل ۱۳۳۰

غ - رویتان :

انصار آرزوهای مردم :

زمانیکه برای بار اول آرزوهای مردم در جریده ^{انگار} / نشره روز چهارشنبه ۹ / حوت ۲۹ آزاداند. انصار میگوید از آن وقت تا نگارش این سطور که ایام چندی سپری شده و رفت در بحر تفکر و تخیل فرو رفته هیچ بفهمیم نمیرسید که چگونه پرده های سیاست تاریک دیروز که بر فراز این ملت پهن شده بود ذریعه ندای حق از هم دریده روح در کالبد مرده جوانان پرورد و حساس این ملت بازدمید است و برای جلوگیری از تجاوز بحقوق خلق و بر علیه ظلم و بی عدالتی به مبارزه شروع به ایشان بشارت میدهم که جوانان خانه وادها با ایشان هم آهنگ بوده اگر توفیق رفیق شان شود در بیداری و تحول و تجدید افکار اجتماعی این سامان کهنک خواهند کرد -

ولی اگر بی مورد نه پندارند بنده عقیده دارم - که این آرزوهای پاک و مقدس مردم تا وقتی برآورده نمیشود تا همه آزادی خواهان پاک و با ایمان تشکیل احزاب سیاسی را در سایه اتحاد خلل ناپذیر و وصیت منوی و یگانگی تا سیمو اعلان نمایند زیرا تا وقتی که احزاب سیاسی تشکیل نیی یا بد نسایند گان واقعی و برگزیده گان حقیقی طبقات مختلف جامعه در مرکز ثقل ملی که مجلس شورای ملی نامیده میشود جمع نشوند امکان ندارد حکومت ملی را حاکم و حق حاکمیت ملی را تاءمین کرد - همچنان که تشکیل یک شورای ملی که مظهر حقیقی ملت میباشد بدون وجود احزاب سیاسی تشکیلی کرده نمیتواند همین طور نمیتوان بدون تشکیل حکومت

ن - ترکی :

اتحادیه محصلین :

درست در همین روزهای سال گذشته فعالیت جوانان محصلین در بازارها دیده میشد و به قسم دسته دسته به کول مکتب استقلال میشتافتند و بایک حرارت امید بخش در عمارت و وسیع صحنه تمثیل جمع گردیده کنفرانس های مفید و قابل قدر میدادند. اگرچه بعضی ها عقیده داشتند که مصروف محصلین در ترتیب و ایراد همچو کنفرانس ها و قی تمثیل آنها را گرفته از تعلیم میمانند. ولی با وجود آن اجتماع آنها و تبادل افکار و نظریات شان بر ای ابقاظ و بیداری مردم که بحیث تماشاچی میآمدند و آشنا شدن خود شان به امور مختلفه اجتماعی بی اهمیت نبود. خیلی مورد دلچسپی و علاقه مفسدی عامه قرار گرفته بود. اتحادیه های محصلین در تمام ممالک عالم وجود دارند. با وجودیکه مصروف تعلیم خودها میباشد همیشه به جریان سیاسی مملکت خود و حتی دیگر ممالک علاقه میگیرند و از جریان امور اجتماعی خود برکنار نمیمانند. و همیشه بر علیه و یا بر له سیاست روز حکومت خویش اظهار نفرت یا همدردی نموده نطق های آتشین را بر ضد یا تائید آن ایراد مینمایند ولی این عملیات آنها سبب این نمیشود که از طرف مقامات صلاحیت دار شان اصل اتحادیه آنها منحل و از بین برده شود.

اتحادیه محصلین ما ^ع "چند ماه بصورت خوب اجتماعی نموده در بیداری مردم و آشنا ساختن آنها بحقوق اجتماعی شان به واسطه کنفرانس ها کوشیدند. اگرچه اجتماع و ایراد کنفرانسهای آنها هفته یک بار بود و آنقدر بدروس آنها سکنه وارد نمیشد مگر در آواسط ماه عقرب ۱۳۲۹ دفعتاً کنفرانس های آنها دو چارسکنه گردید. و چند هفته پی هم اهالی بدرباط کنفرانس شان میآمدند ولی از همان اجتماعات و خطابه های -

(بقیه در صفحه ۳۳)

بنیاد علی . ط تره کی :

همین امروز !!

دیروز هر چه بود گذشت اعاده ما منی از حیطه قدرت بشر بیرون است . کذا اطلاع بر ما وسیع فردا هم صیدیمت از قید تصور آزاد و یقینا "نمیدانیم" فردا چه خواهد شد و از چه پیش آمدی باید استقبال کرد؟ پس یگانگی نقد یک داریم امروز است و همین امروز . در حالیکه چنین است لازم که همین نقد را سرمایه حسن عاقبت تلقی کرده و آنرا به نفع خود استعمال کنیم . هر یک از دقایق آنرا زبان غیر قابل تلافی و جبران شمرده نهانیم . سستی و رزیم تا از همین امروز به سرحد اعلی استقامت مشروع و مقبول نمایم از آنچه بنام ما می و استقبال از کف ما بیرون قرار یافته معذوریم ولی از حال نمیتوان اظهار ممدورت کرد . گرچه همه میدانیم که به فردا از روی یقین نمیتوان حکمی کرد اما به آنچه از عیان و ایمان داریم این است که فردا زاده امروز بوده و عمل امروز در سر نوشت فردای ما حتما تاثیر دارد . آنچه را امروز می بینیم حاصل دیروز است . اگر دیروز کار میکردیم یقینا "به حسرت و ندامت امروزی دچار نشده و چه بهره عبوس صاحب را نسبی دیدیم ولی اگر امروز هم برای سعادتمندی دست و پایی نمیزنیم و وقت را را یگانگی از کف میدادیم باید باور کنیم که شایسته زنده کی و حسن عاقبت نیستیم ازین اظهار خیلی رنج میبوم و - متاسف هستیم ولی باز هم نساگریم بگوئیم که در اثر عوامل ما منی از همان ما دچار یک تسمم بدو مدهشی شده است که اکنون این مجادله یک سستی بافراط میخواهد و وظیفه هر فرد حساس و صاحب درد است که علیه این مرجع تسمم ذهنی قیام و مجادله ورزد . قدری آس آور و امید کثر است وقتی نگریمسته میشود بین علاقه کی سرپایی ما را با پایه هلاکت استیلا کرده و حتی مجال و جراتی برای عمل هم برای ما نسکذاشته بصورتیکه هر کس آرزو و انتظار دارد دیگری برای سعادتمندی و استرفاه او دست و پا زده باشد . و کوجا کزین تکلفی را هم متوجه به

جوان کیست ؟

آن که شواره قلمش خرمین جوانت خیا تفکاران را آتش دهد آن که طوفان هیئتش بنیاد هستی و وطن فروشان را منزلزل سازد . و از هم پاشد . آنکه سیلاب غیر نثر خم و خاشاک هرزه متمرکزین تمامیت ملت را از بین ببرد آنکه زبان بی الا پیشتر جز ملت نگردد و جز بهبودی جامه در اطراف چیزهای دیگر متمرکز نیاید . آنکه قلم تلوا تا پیش افکار و نیات - خالصانه خود نثر را که در روی اعتلای ملت ترقی خاک - بیداری هموطنان بنیاد یافته باشد بیروی صفحات کاغذی طور سازد . آنکه دوران عطیات او بر محور آزادی خواهی دینیت . عدل و انصاف دوران نماید . آنکه هستی خود را در قبال موجودیت جامعه هیچ بداند . آنکه حقایق را مستور نداشته . در راه خدمت حقیقی به توده اغرا پس شخصیت را زیر پا نماید . آنکه وجدان او میز خوب و بد در راه تصنیف اشخاص متودهای عملی و حسب فرمایشات آئین و قانون بشریت داشته نترسد . آنکه لوجه ضمیر پاک او را گرد یاس و یحین مکرر نسگردانند آنکه آئینه صفای دماقش در اثر خیانت . چا پلوس . بد بینی به هموطنان رشوت و - وطن فروشی . غبار نگرفته باشد آنکه جبین و دناست قوه آزادی خواهی و احقاق حق و هموطنان را در وجود او مظلوم نسازد . آنکه شیفته پول . عاشر کونی . شهیدای موثر مشتاق زمینداری نباشد . مفهوم جوانی را محسوس لو کتبی و حمله پسنندی و توالت نداند .

x خود نمیدانند و غافل است ازین که چون تشکیل جوانی از اجتماع افراد بظهور پیوسته اصلاح جوانی نیز باید از فرد شروع و به جماعت منتهی شود تا فرد اصلاح نشود جامعه غیر ممکن است اصلاح گردد باید آنرا نیکه علاقه به اعتلا و - سعادت این خاک عقب مانده دارند پیشتر ازین غفلت نه ورزیده اولاً "خود را اصلاح کرده بحد با صلاح جامعه بپردازند . اکنون که ما یک مملکت بنام دیموکرات هستیم و عملاً "بین ما دیموکراتی (با مفهوم حقیقی آن) فاصله بصدی هنوز موجود و قابل طی است باید برای جنبش بآن اقدام کنیم . مستند بعضی تاریخ نگران که پایین رکود با تصبیرات غیر واقعی می بینند اما من جدا "باین نظر به اظهار مخالفت میکنم زیرا اصول اساسی مملکت رژیم حکومت ما و شاهسی مشروطه همین کرده و شاه جوان ما حای دیموکراسی یونه و جراید ما از منفر حلق فریاد دیموکراسی میترسند . پس باقی نگرانی ما برای چیست ؟

این گزینی ما خیلی بآن شما هست دارد که شخصی دعوی اسلام (بقیه ص)

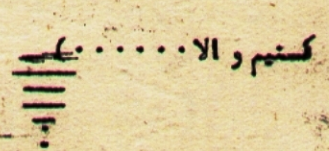
بهنالی جرار:

انگاریه نه به:

که می جو غدی د زره به سزنگری انگاریه نه به
 که می دزره به دزد خیرنگری انگاریه نه به
 چه پنهانی کوی می زمالا پسی لیس جگموی
 که می داخوله شو ندی کسنگری انگاریه نه به
 که نوره به بدو سترگو چا برما گزا رو کسر
 که سبلی می د مجرنگری انگاریه نه به
 لکونه زه غماوه سناله لاسه در / به دریم
 که می همداسی در به درنگری انگاریه نه به
 لکه چه زه خاوری به خوله خاوری به سرگرخیدم
 که می همداسی خاک به سرنگری انگاریه نه به
 خوب می لیدلی چه له خاورونه سره زر جوروم
 که توری خاوری می سره زرنگری انگاریه نه به
 ترا شه زما بهرکی لاندی یا ندی و سوزوه
 که می خیر به خیر او سرنگری انگاریه نه به
 که می دایری ابری چه زه تری را وتلی به
 پنهانی و سالی دیر هرنگری انگاریه نه به
 دخصم و جم می سکر و تو و ظیفی نیولی
 که می له سکوره برابرنگری انگاریه نه به
 را غلم دنیا ته د ظلمت به عکله اور لگو
 که توری شیی می سپین سحرنگری انگاریه نه به

(بقیه همین امروز)

را کرده و میادی و شرایط آتوا که از زره (نماز
 پنج گانه است) بداند ولی منتظر باشد (امام محله
 در پنج نوبت شب روز محصلی عقب او اعزام کرده
 و او را با آلتی ماوجب قهرا آماده و حنا ضر
 کنند)
 چون اجتماعات و ایراد خطابه ها تشکیل
 احزاب یکی از سنن لا یتسیر دیمو کراسیمت
 و ما اگسیر اعتقاد به دیمو کراسی
 داریم با ثمننت آتورا تطبیق و حما به و بهوری
 کنیم والا.....



بقیه اتحادیه

دندوسپ اثری نبود و اخیراً شهیده شد که به نسبتیکه
 به سیاست تمام میگردند از اجتماع آنها مانع بعمل
 آمد این مملکت که چهره اثر فلاکت ها و بد بختیهای متعدد
 استیلا کرده به کهمک کوچکترین فرد و افراد احتیاج -
 شدند باز و فلاکت ها و سیه روزها هم تا وقتی بر
 طرف شده نمیتوانند تا که عامه بیدار نشوند و یکی از
 وسایل مقبول بیداری لزوم شنیدن کتفرا نسها - خطابه ها
 و دیدن اجتماعات میباشد و خطابه های محصلین که حاوی
 آن مطالب بود که آنها در فلاکتها و غیره فرا گرفته بودند
 به عناضتین تاء ثیر عمیق بخشیده آنها را به نسبت
 موقضیت اجتماعی شان متخسر میساختند - بعضی از
 حرکات سیاسی و اجتماعی را ستگاه حکومت خود ها را
 تصبیر و تفسیر نموده آن را مورد تنقید و تبصره
 منطقی قرار میدادند که به تربیه ذهنیت سیاسی
 عامه خیلی مفید بود - اما از جوانان اتحادیه محصلین
 سابق تمنا داریم تا سلسله اجتماعات و ایراد -
 کتفرا نسها - بنهید خود را سر از نو شروع نموده به طرز
 صحیح تر در بیداری عامه مجاهده نمایند و یقین
 و اثباتی داریم که هیچ منابع فعالیته و وطن خواهانه شان
 را مانع نخواهند شد -

بقیه انمکاس

ملی برای آزادی ارزشی را قایل شده صراحت بگویم که آزادی
 بدون حکومت ملی و حکومت بدون شورای ملی و شورای
 ملی بدون احزاب سیاسی امکان پذیر نبود و نمیتوان -
 عدالت اجتماعی را قایل و این ملت بیدار و بد بخت را از فلاکت
 و ادبار نجات داد - چه حیات امروزه ملل زنده و -
 راقیه شاهد حال است که هیچ يك قوم و جوامع به حفظ
 و تادیه بین سعادت موفق شده نمیتواند مگر تحت تشکیلات حزبی
 البته و قتیکه احزاب سیاسی در يك جامعه قد علم گردان وقت
 نما بنده گان حقیقی و واقعی طبقات مختلفه جامعه در يك
 مرکز جمع شده در ضمن سرنوشت و روش زنده گانی جامعه
 مشوره و مصلحت کرده انجمنی را که در حقیقت مظهر واقعی
 ملت است بمیان میآیند و همین مظهر حقیقی ملت خواهد بود
 که حکومت ملی را قایل نماید آن وقت میتوان معتقد شد که حقیق
 حا کیمت ملی تا بین و آزادی حقیقی وجود دارد و ربه این آرزوها
 که از چهره های توده مصیبت زده منشئت بگو شهای ماند مک
 میشود معنی آزادی حقیقی بهمان را در برداشته باشد که فخر اج
 سعادت حقیقی خود را رسانده نمیتواند -

حق پرست :

جواب ورزشکاران :

تسمیکه همه چیزها در نزد ما مفهوم اصلی خود را باختبر انتقاد نیز ما هیت اصلی را از دست داده و لیاقت دشنام نکر هشر و بد گوئی را در بر نبرده در حالیکه انتقاد صرف نشان دادن و یا مطالعه نمودن جنبه های نیک و بدی یک مسئله از نفاق نظر علمی و فنی میباشد یعنی در انتقاد صرف بد گوئی و خورده گیری جا نداشتند بل جنبه های قوی و ضعیف مورد مطالعه قرار میگیرد چنانکه جنبه ضعیف انتقاد میشود جنبه قوی نیز اظهار میگردد مگر متاسفانه در نزد چکوره ها چنین نیست بدون آنکه راه اصلاح را نشان داده باشند در باره یک دسته جوانان مملکت انتقاد مینمایند اینک بچند نکته بنام غلی چکوره جواب میدهیم:

تیم فوتبال در مقابل هند و جاپان
 ملی - تیم فوتبال ما در مقابل هند و جاپان مغلوب گردید و ورزشکاران اقلتیک ما هم ناکام شدند ولی باید بدانیم که سربو حمایتی و مدنی جاپان هند و افغانستان خیلی با هم فرق دارند و نه باید نادانگفته بگذریم که ما از جاپان و هند از هر نقطه نظر عقب بوده و رسیدن نمیتوانیم و اگر خود را به مقابل آنها قرار میند هم کوتاهی

عقل ما است ((پس آیا این کوتاهی عقل نبود که با این عقب ماندگی با زهم به مصرف پول زیاد - شامل شدیم ؟ (انگار)) گذشته از آن تیمهای هند و جاپان با ایشار سرمایه گزاف و تهرینات زیاد فنی و مسافرت های ورزشی در ممالک آسیای شرقی - اروپایی - و آفریقایی و تاء سیمس و تقویه کلویب های ورزشی از طرف سرمایه داران و کهمک و معاونت موسسات ملی و بلدیها و دست گیری ورزشکاران باین درجه رسیده اند در حالیکه ورزشکاران ما یکی از وسایل بالاباز دارا نمیشدند و هیچ کس آنها را نخواهد کرد اگر بگویم که تا امروز سرمایه دار های ما یک پول هم بشلم ورزش را ندادند و یک اب ورزشی را *

* جاء سیمس هم نکرده اند با این هم اگر ورزشکاران بسا ندا شتن اقتصادیات خوب و به خوردن نان خشک و جای تلخ به مقابل تیم های جاپان و هند به سه گول و دو گول مغلوب میشوند قابل تقدیر است نه نکو هشر بنده بچیت یک ورزشکار از بنام غلی چکوره و دسته اش آرزو میکنم که قضاوت عادلانه نمایند .

بنام غلی چکوره ! اینک ادعا دارند که بی خابیهایی در ماهه باعث مغلوبیت گردیده عاری از حقیقت است زیرا ما ورزشکار میباشیم و بدسته نیکه بخارج مملکت رفته و به عیاشی و پردازند تعلق نداریم و شاهد مقال ما تشکوری حکومت دهند است که به مناسبت اخلاق و عادات ما از سفارت و حکومت ما بعمل آمده است . در خاتمه باید متذکر شویم که انتقاد باید از طرف اشخاص فنی و سابقه دار صورت بگیرد تا جنبه های فنیکی فن را مورد مطالعه قرار دهند . بنام " ما از تمام ورزشکاران با تبحر به آرزو میکنیم تا مشکلات موسسات ورزشی را بسا اوضاع و احوال ورزشکاران مورد مطالعه قرار داده و نظریات نیک خود را نشر فرمایند تا ما تقاضای خود را اصلاح نموده و در آئینده کامیاب نصیب ما گردود در صورت عکس انتقاد بی جا باعث دل سردی و یا مس - دسته جوانان نیکه تا حال بدون کدام مفاد ما دی آرزوی عشق به ورزش و وطن هزارها زحمات را متحمل شده اند . میگردد .

نوت :

جوابیه فوق از طرف ریاست اولمپیک تصدیق شده است .

برای خواننده :

رجب خان به نایب گنند : رجب خان بیاد و چرا امروز دق هستی ؟
 نایب : پرسان نکو - بخدا چهار هزار افغانی از درک قاطریکه دیروز در گنند مدرسم تاوان شده .
 رجبخان : تو بیری سرکار گفتی که بسا رسال بیاد در مام دی خدمت نایب گنند مرد تاوان اوره کی میشه ؟
 نایب : آی بیاد اوره کی پرسان میکنند مخوبرشان گفتم میگن بیاد دوت خود پای کدام تحویلدار قید نبود که بالا یشر تاوان میشد (الف)

اشترک

- کابل : (۳۶) افغانستان سالانه
 - ولایات : (۴۰) افغانستان سالانه
 - خارج : (۴) دالر سالانه
- قیمت یک شماره (۵۰) پول
 مطبعه : مکتبہ شخصی انگار کابل